

## **Abstract**

The spread of criminal activities and crime recurrence rates, as well as available statistics, indicate that in Iran, having an effective criminal policy in dealing with criminal phenomena, and in particular in dealing with professional criminals, and in this regard, control and Intervention to reform and re-socialize them and also to prevent them from entering the field of crime We are in crisis because managing the reaction against this group of criminals, control and interventions to reform and re-socialize them and basically prevent people from entering the field Delinquency requires having an efficient, appropriate and reasonable criminal policy and of course in all relevant areas (legislative, judicial, executive and participatory), so the crisis we are facing, weaknesses, shortcomings, problems And there are obstacles in all areas, pillars and components of Iran's criminal policy in dealing with this group of criminals. The present study seeks to answer the important and fundamental question of the position of Iran's legislative criminal policy in terms of form and content in relation to this group of criminals, whether the criminal policy is specific and differentiated in terms of form, by descriptive and analytical methods and explaining the basic concepts. And in essence, in the legal field, can we extract from the heart of the existing criminal regulations regarding this group of criminals? What is the response strategy in the field of legislation? Therefore, in this study, an attempt has been made to evaluate Iran's legislative criminal policy in dealing with this group of criminals, and to identify shortcomings, challenges, problems and obstacles in achieving corrective and effective solutions and proposals.

**نقد و بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای**عباس قجاوند<sup>۱</sup>قدرت الله خسروشاهی<sup>۲</sup>شهید شاطری پور اصفهانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۵

**چکیده**

گسترش فعالیت‌های مجرمانه و نرخ تکرار جرم و نیز آمارهای موجود حکایت از این موضوع می‌نماید که در ایران در برخورداری از یک سیاست جنایی کارآمد در مقابله با پدیده مجرمانه و به صورت خاص در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای و در این راستا کنترل و مداخله در جهت اصلاح و بازاجتماعی نمودن آنان و نیز پیشگیری از ورود به این عرصه از بزهکاری دچار بحران هستیم چرا که مدیریت واکنش علیه این دسته از مجرمین، کنترل و مداخلات در راستای اصلاح و بازاجتماعی نمودن آنان و اساساً پیشگیری از ورود افراد به این عرصه از بزهکاری، مستلزم و ملازمه با برخورداری از یک سیاست جنایی کارآمد، مناسب و معقول و البته در تمام حوزه‌های مربوطه (تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی) دارد لذا بحرانی که با آن مواجه هستیم، ضعفها، کاستی‌ها، مشکلات و موانعی است که در تمام حوزه‌ها، ارکان و اجزاء سیاست جنایی ایران در رویارویی با این دسته از مجرمین موجود است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و تشریح مفاهیم بنیادی بدنبال پاسخگویی به این سؤال مهم و اساسی است که جایگاه سیاست جنایی تقنینی ایران به لحاظ شکل و محتوا در ارتباط با این دسته از مجرمین چگونه است، آیا سیاست جنایی مشخص و افتراقی به لحاظ شکلی و ماهوی در حوزه تقنینی می‌توانیم در خصوص این دسته از مجرمین از بطن مقررات کیفری موجود استخراج کنیم؟ در حوزه تقنین استراتژی پاسخها چگونه است؟ لذا در این پژوهش تلاش گردیده تا ضمن ارزیابی سیاست جنایی تقنینی ایران در رویارویی با این دسته از مجرمین، کاستی‌ها، چالشها، مشکلات و موانع موجود در رسیدن به راهکارها و پیشنهادهای اصلاحی و کارآمد شناسایی گردد.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، سیاست جنایی تقنینی، پیشگیری و واکنش علیه جرم؛ مجرمین حرفه‌ای.

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران. [abasghajavand@gmail.com](mailto:abasghajavand@gmail.com)

<sup>۲</sup>استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. [ghkho44@yahoo.com](mailto:ghkho44@yahoo.com)

<sup>۳</sup>استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران. [shahedfr@yahoo.com](mailto:shahedfr@yahoo.com)

گسترش فعالیتهای مجرمانه و بدنبال آن افزایش احساس ناامنی در میان افراد جامعه موجب گردیده تا موضوع امنیت و ایجاد آرامش در جامعه و میان افراد آن همواره در زمره دغدغه‌های قانونگذار که به واقع چیزی جز دغدغه‌های جامعه و افراد آن نیست باشد. در این راستا در مبارزه و مقابله با پدیده مجرمانه، همواره اقلیتی وجود دارند که از آنها با عنوان مجرمین حرفه‌ای یاد می‌شود که با ارتکاب درصد بالایی از جرائم، در رسیدن به مقاصد و منافعشان ارتکاب جرم را به صورت یک حرفه برای خود قرار داده‌اند به صورتی که با توجه به تعدد جرم، استمرار و تکرار در ارتکاب جرم، شدت، حتمیت و تخصص در جرائم ارتكابی و ابعاد شخصیتی، با ارتکاب درصد بالایی از جرائم که عمدتاً و معمولاً جرائم مالی است، ضمن اینکه نظم موجود در جامعه را ملتهب می‌نمایند بلکه خسارت قابل توجهی را نیز برپیکره جامعه و هیأت اجتماع تحمیل و وارد می‌نمایند. به صورتی که علیرغم اعمال و اجرای سیاستهای موجود در رهایی از این معضل بزرگ که عمدتاً قهرآمیز بوده، در مسیر مبارزه با این اقلیت خاص و رفتارهای ارتكابی آنان با مشکلات فراوانی مواجه هستیم.

باتوجه به عوامل و متغیرهای تأثیرگذار که منجر به پیشرفت سیر اقدامات مجرمانه و تکرار جرم در این دسته از مجرمین گردیده است و تحولاتی که در این فرآیند پشت سر گذاشته‌اند، در راستای رسیدن به راهکارهای حفاظت کننده، کنترل و پیشگیری کننده قطعاً می‌بایست واکنش علیه این دسته از افراد به بهترین شکل مدیریت گردد و این مهم حاصل نمی‌گردد مگر با برخورداری از یک سیاست جنایی مناسب، کارآمد و معقول، یعنی سیاستی که در پرتو آن انتظار می‌رود قانونگذار، قضات و مجریان و همچنین جامعه مدنی با یک نگاه منسجم و جمعی به تمامی ابعاد و اجزاء در ارتباط با موضوع جرم‌انگاری و واکنش علیه جرم و هنجارشکنی نظر داشته و به مقابله با پدیده مجرمانه بپردازند و البته به صورت خاص در ارتباط با این دسته از مجرمین با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از روشهای کیفری و غیر کیفری و از جمله مشارکت جامعه مدنی در رسیدن به راهکارهای حفاظت کننده، کنترل و پیشگیری کننده گام بردارند و این همان سیاستی است که از آن با عنوان سیاست جنایی و البته در مفهوم موسّع یاد می‌شود.

در این میان آنچه که پژوهش پیش رو در خروج از بحران موجود، در حوزه سیاست جنایی، در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای به شرح پیش گفته بر آن متمرکز است، موضوع سیاست جنایی تقنینی است که همواره به عنوان یکی از مقوله‌های مهم در حوزه سیاست جنایی مطرح بوده است. چرا که طراحی و اتخاذ یک استراتژی و سیاست گذاری کارآمد مسلماً راهبردها و تدابیر موثر و تأثیر گذاری را در حوزه مداخله و پاسخ به جرم انحراف و کجروی پیش روی ما قرار می‌دهد سیاستی که در پرتو راهبردهای آن بر این باوریم که ایجاد و وسعت و گستردگی در حقوق کیفری راهگشا نیست اعمال و اجرای مجازات های سنگین و فزاینده در سایه نظام عدالت کیفری شاید بتواند بخش اندکی از سقوط قابل توجه جرم را توجیه نماید ولیکن این یک واقعیت است که میزان قابل توجهی از انحرافات، کجروی ها و جرائم با ایجاد ارعاب و ترس از دستگیری و تعقیب و مجازات قابل پیشگیری نیستند در این راستا مجرمینی همچون مجرمین حرفه‌ای خود می‌تواند به عنوان شاهد مثال در توجیه این مدعا مطرح شوند. بنابراین یکی از موضوعات قابل تأمل و قابل توجه در عرصه سیاست جنایی تقنینی در مواجهه با این دسته از مجرمین است که علیرغم اعمال و اجرای سیاست‌های موجود همچنان این دسته از مجرمین از جهت نقش عمده‌ای که در ایجاد ناامنی و برهم زدن آرامش و نظم اجتماعی ایفا می‌کنند همچنان به عنوان یک بحران در پیش روی دست اندرکاران نظام عدالت کیفری مطرح هستند.

لذا از یکطرف بدنبال آثار تأثیرگذار و مثبت برنامه‌ها و راهبردهای سیاست جنایی در عرصه تقنینی در مبارزه با پدیده جرم، انحراف و کجروی و از طرفی باتوجه به شرایط و وضعیت موجود که آمارها حکایت از آن می‌نماید و مبین وجود بحران در حوزه تأمین امنیت و آرامش مورد انتظار در جامعه می‌باشد، در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا در خروج از این بحران ضمن تمرکز بر مجرمین حرفه‌ای، جایگاه سیاست جنایی تقنینی در ایران را به لحاظ شکل و محتوا در ارتباط با این دسته از مجرمین مورد تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی قرار داده و لذا در این راستا این پژوهش اهدافی را دنبال می‌کند که از آن جمله شناسایی کاستی‌ها، چالشها، مشکلات و موانع موجود در رسیدن به راهکارها و پیشنهادهای اصلاحی و کارآمد در این حوزه و عرصه از سیاست جنایی است.

لذا در دو بخش به تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی موضوع پرداخته که در بخش اول، به بررسی مبانی و چارچوبه مفهومی سیاست جنایی تقنینی و نیز راهبردها و روشهای موجود در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای و در بخش دیگر باتوجه به شرایط موجود، ضمن پرداختن به راهبردها و روشهای موجود در سیاست جنایی تقنینی در ایران، به نقد و بررسی موضوع پرداخته تا از این مسیر راهکارها و پیشنهادهای اصلاحی، باتوجه به شناسایی کاستی‌ها و چالشها و مشکلات و موانع موجود، در پیشروی مجریان و دست‌اندرکاران دستگاه نظام عدالت کیفری قرار گیرد.

#### ۱- چارچوبه مفهومی و مبانی نظری

##### ۱-۱ مفهوم، تعریف و جایگاه سیاست جنایی تقنینی، گستره و قلمرو آن

##### ۱-۱-۱ مفهوم، تعریف و جایگاه سیاست جنایی تقنینی

همانگونه که در مقدمه این تحقیق نیز بدان اشاره گردید سیاست جنایی در معنای موسع و کلی آن، شامل مطالعه اقدامها و تدابیر متنوعی است که دولت و جامعه مدنی اختصاصاً برای سرکوبی پدیده مجرمانه، پیشگیری از آن، حمایت از بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم بزهکاری در نظر گرفته و در قالب آیین‌ها و روشهای مختلف، به عنوان پاسخ به وضعیتهای پیش جنایی یا قبل بزهکاری، جرائم ارتكابی و نیز ترمیم آثار زیانبار جرم از جمله پیشگیری از تکرار جرم اعمال می‌کنند (لازرژ، ۱۳۸۲: ۳۷) و بدین ترتیب سیاست جنایی بدین مفهوم در چهار بخش تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی موضوع مطالعه و بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

سیاست جنایی تقنینی تدبیر و چاره‌اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن است که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه قانونگذاران مختلف و انتخابهای آنان در انواع جرائم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم است. (آبروشن، ۱۳۹۵: ۲۸ به نقل از نجفی ابرندآبادی، علی حسین تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، ص ۲۶).

در این راستا از نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوطه نیز با عنوان سیاست جنایی قضایی یاد می‌شود (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۵، ص ۹۴) که البته درک متفاوت از قوانین در نتیجه برداشتها و استنباط‌های مختلف، خود موجب گردیده است تا محاکم نسبت به موضوعات واحد برداشتهای خاص و متفاوت داشته باشند.

سیاست جنایی اجرایی نیز سیاستی است که از سوی قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور و در اجرای سیاستهای اتخاذی از سوی قوه مقننه اتخاذ می‌شود.

و نهایتاً در ادامه تشریح بخشهای مختلف سیاست جنایی، موضوع سیاست جنایی مشارکتی نیز که تحقیق حاضر بر آن متمرکز است به عنوان یکی از جدیدترین و مهمترین گرایشات سیاست جنایی مطرح است. با این توضیح و توجیه که در دوره معاصر رشد روز افزون پدیده مجرمانه<sup>۱</sup> و ظهور اشکال و حجم‌های نوین و متنوع تری از بزهکاری، بحران ناتوانی و ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در به کارگیری صرف ضمانت‌های اجرایی کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده است و گرایش جدیدی از سیاست جنایی بر پایه مشارکت هرچه وسیعتر و فعال ارکان جامعه مدنی اعم از بزهکار، بزه دیده و به ویژه مردم در مراحل مختلف تدوین و اجرای سیاست جنایی، خصوصاً در مراحل اجرای آن، یعنی مرحله پیشگیری از وقوع جرم و مرحله واکنش به پدیده مجرمانه در دیدگاهها و آموزه‌های کیفری را مطرح نموده است که از آن به عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» نام برده می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹) و لذا باید گفت سیاست جنایی مشارکتی از اجزاء و ارکان و راهبردهای مهم سیاست جنایی است که مبین مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی در امر پیشگیری و واکنش نسبت به جرائم و انحرافات اجتماعی است.

بنابراین در مفهوم مدرن و امروزی آن، سیاست جنایی مشارکتی، یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی است که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۷۲)

## ۲-۱-۱ گستره و قلمرو سیاست جنایی تقنینی

از آنجاییکه پیشگیری و جلوگیری از ورود به این عرصه از بزهکاری و نیز رویارویی و مقابله با پدیده پایداری در بزهکاری به باور نگارنده بدو ملازم با مداخله در وضعیت و موقعیت پیش‌جنایی و در این راستا رعایت و اجرای برنامه‌ها و ملاحظات پیشگیرانه در مقابله با ظرفیتهای و استعدادهای جنایی در افراد دارد، ضمن اینکه در ادامه در رویارویی با افراد وارد شده در این عرصه از بزهکاری با عنوان مجرمین حرفه‌ای و در راستای رفع دغدغه باز اجتماعی نمودن این افراد، پرداختن بدین موضوع نیز خود ملازم با راهبردهای اجرایی خاص و بهره‌گیری از مجموعه‌ای از فرایندهای کیفری و غیرکیفری داشته و دارد.

لذا این امر مقدور و میسر نیست مگر با تدوین و استناد به مجموعه‌ای از قوانین و مقررات مدون و اعمال و اجرای راهبردهایی قانونمند و منظم تا ضمن رعایت و احترام به اصول بنیادین در حقوق جزا و از جمله اصل برائت و اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و ... مداخلاتی مؤثر از ناحیه نظام پاسخ‌دهی و سیاستگذاری صورت پذیرد، ضمن اینکه بهینه‌تر و کارآمدتر شدن سیاستهای تقنینی از طریق ایجاد تغییرات و تحولات جدید در سیاستگذاریهای قبلی در تکمیل و انطباق با شرایط جدید نیز موضوعی است قابل تأمل و این همان موضوعی است که در این نوشتار با عنوان سیاست جنایی تقنینی در فرایند سیاستگذاری جنایی از آن یاد می‌کنیم و لذا طیف گسترده مجموعه‌ای از مداخلات در قالب تدوین قوانین و مقررات مدون در این بخش و جزء از سیاست جنایی مطرح بوده و می‌باشد که این خود حکایت از گستره و گستردگی قلمرو این بخش از سیاست جنایی می‌باشد.

## ۲-۱-۲ مفهوم و تعریف مجرم حرفه‌ای ، ابعاد و خصوصیات ، علل و عوامل پیدایش

۱ . پدیده مجرمانه هرگونه رفتار خلاف هنجارهای اجتماعی چه در قالب جرم یا بزه و چه در قالب انحراف یا کجروی را شامل می‌شود.

در این باره گفته شده است تبهکار حرفه ای بنا به تعریف کسی است که طریق تأمین زندگی و ممر اعاشه او از راه تبهکاری است. تبهکاری پایه و سرمایه اصلی زندگی اوست و از این رو مستغرق در زندگی خویشتن یعنی تبهکاری است ( کی نیا، ۱۳۸۴ : ۵۵۴) به عبارت دیگر بزهکاران حرفه ای، مرتکبین مکرر عمدتاً جرم های مالی ساختاریافته و غیرخشن می باشند که برای کسب سرمایه و امرار معاش جرم را جزیی از زندگی خود قرار داده و با پیشه نمودن بزهکاری به عنوان ابزار اقتصادی و گذران حیات، به نوعی از حیات مجرمانه دست یافته اند. بزهکاران مذکور با رفتار ضد اجتماعی زودرس، تمایلات بزهکارانه ی خود را در سنین پایین نشان داده و در طول زمان بر ارتکاب آن رفتارها اصرار ورزیده و در اکثر موارد نیز با بالا رفتن سن، اعمال مجرمانه خود را کاهش خواهند داد. (عظیم زاده، ۱۳۹۰: ۲۸) در این رابطه آنچه که ذکر آن لازم و ضروری است تفکیک مفهوم بزهکار حرفه ای از مفهوم بزهکار به عادت است. در این باره گفته شده است بزهکار به عادت کسی است که صفات مجرمانه آشکار یا پنهانی در ساختار روانی او وجود دارد اما مجنون یا دچار نقص روانی و.... تلقی نمی شود و کسی است که مستمراً مرتکب جرم می شود و برای جامعه ای که در آن زندگی می کند خطرناک محسوب می شود اما صرفاً فاحشه، ولگرد، دائم الخمر نبوده و مستمراً بزه های خفیف مرتکب می شود (غلامی، ۱۳۸۲: ۴۲) بنابراین آنچه که از مجموعه این نظریات و سایر نظریات مطرح شده برداشت می شود این است که آنچه که باعث تمایز بزهکار به عادت از بزهکار حرفه ای است شخصیت اوست بدین معنی که شخصیت بزهکار در بزهکاری به عادت به مراتب نقش مهمتر و قوی تری را نسبت به اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم در انجام عمل مجرمانه ایفا می کند به عبارت دیگر در فرآیند ارتکاب جرم و تکرار جرم مجموعه ای از عوامل مختلف دخیل می باشد که در این میان آنچه که بیش از هر عامل دیگری زمینه را در بین بزهکاران به عادت در ارتکاب جرائم متعدد و تکرار جرم فراهم می سازد همان شخصیت آنهاست.

### ۱-۲-۲ خصوصیات مجرم حرفه ای

از مجموع مباحث مطرح شده می توان در ذکر خصوصیات و ویژگیهای مجرم حرفه ای به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- مجرم حرفه ای معمولاً برای کسب درآمد و سود مرتکب جرم می شود و اکثراً مرتکب جرائم علیه اموال می گردد.
- ۲- فعالیت مجرمانه بخشی از روش زندگی مجرم حرفه ای را تشکیل می دهد، او خود را به عنوان یک مجرم می شناسد و به طور وسیعی با سایر مجرمان همکاری می کند.
- ۳- مجرمین حرفه ای یا متمایل به توسعه و تکمیل انواع مختلف جرائم علیه اموال و یا تخصص در نوع خاصی از جرم هستند.
- ۴- مجرمین حرفه ای معمولاً در جرائم ارتكابی دارای برنامه های مشخصی هستند و کاملاً به آنچه که انجام می دهند آگاه می باشند.

### ۱-۲-۳ علل و عوامل پیدایش

آنچه که بدواً در ارتباط با این دسته از مجرمین در ارزیابی و ارائه راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی ذکر آن ضرورت دارد و تأمل دقیق بر آن را می طلبد، تحلیل رابطه علی و معلولی در ماهیت و نحوه ورود این دسته از

مجرمین به عرصه حرفه مجرمانه از طریق مجموع متغیرهای مستقلی است که اساساً در بررسی علل و عوامل مختلف، و از جمله علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی و ... بدانها دست می‌یابیم. به واقع این موضوعی است که تنها در بطن آموزه‌ها و رهیافتهای جرم‌شناختی اعم از فرآیندی، ساختاری و ترکیبی نوین محقق خواهد شد.

«رهیافتهای فرآیندی» جرم‌شناختی رهیافتهایی هستند که فرآیند چگونه پایدارشدن بزهکار را در دو سطح فردی و موقعیتی مطالعه می‌نمایند، رهیافتهای فرآیندی در سطح فردی، جریان پایداری را مبتنی بر مؤلفه‌هایی می‌دانند که حول محور فرد بزهکار مورد بررسی قرار گرفته و منحصر به اوصاف خاص و مؤثر ساختار زیستی یا روانی و یا تصمیم‌ها و گزینش‌های عقلانی او می‌باشد (عظیم‌زاده ۱۳۹۰: ۱۵۸).

مطابق مطالعات و تبیینهای زیست‌شناختی که در قرن ۱۹ شاهد توسعه آن هستیم، عوامل جسمانی و زیستی مثل نابهنجاریهای کروموزومی و ژنتیکی و نقایص و شرایط ویژگیهای خاص بدنی بر ارتکاب جرم و بزهکاری مؤثر است و برابر مطالعات و تبیینهای گزینشی نیز اعتقاد بر این است که کجروی نوعی اتخاذ تصمیم فردی و گزینشی عقلانی فایده‌گرانه در فرد بوده که پس از ارزیابی و سنجش آثار و پیامدهای مثبت و منفی رفتار کج‌روانه صورت می‌پذیرد. این تبیینها بزهکاران را کنشگرانی اندیشه‌ورز معرفی می‌کند و مدعی هستند که آنان برای ارتکاب جرم برنامه‌ریزی‌های خاص خود را دارند (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۸ و ۲۹).

در این میان در حوزه رهیافتهای فرآیندی در سطح فردی، بعد روحی و روانی انسان به عنوان رکن اصلی در ابعاد پرورش و تربیت انسان بسیار حائز اهمیت بوده به صورتی که همین ابعاد روحی و روانی است که در بردارنده خصایل انسانی وی بوده و او را از سایر موجودات متمایز می‌کند و از سوی دیگر عدم برخورداری از سلامت روانی دریچه‌ای به سوی تمامی مخاطرات فردی و اجتماعی را به روی انسان می‌گشاید و از همین روست که در اسناد بین‌المللی حقوق کودک بر رشد کامل و هماهنگ شخصیت وی و پرورش در محیطی آکنده از خوشبختی، محبت و تفاهم تأکید گردیده و حق کودک به برخورداری از امکانات آموزشی و تربیتی که بتواند رشد شخصیت، استعدادها و تواناییهای جسمی و ذهنی کودک را تا آنجا که ممکن است فراهم کند به رسمیت شناخته شده است (مهردوی، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

رهیافتهای فرآیندی مبتنی بر سطوح موقعیتی نیز جریان پایداری را بر اساس موقعیت اجتماعی بزهکار قابل تحلیل می‌دانند یعنی فرآیند تبدیل شدن یک بزهکار غیرحرفه‌ای به بزهکار پایدار و حرفه‌ای را در نتیجه موقعیتی می‌دانند که بزهکار در بطن جامعه آن را تجربه کرده است مثل نحوه یادگیری هنجارها و نابهنجارها، نحوه کنترل شدن و چگونگی دریافت و اکنش اجتماعی از جانب جامعه. «رهیافتهای ساختاری» که به عنوان رهیافتهای کلان جرم‌شناسی شناخته می‌شوند به تبیین چگونگی اثرگذاری سازمان اجتماعی بر پایدارشدن بزهکار می‌پردازند، این رهیافتهای از یک سو با تمرکز بر فشار اجتماعی واردشده بر بزهکار که در سایه عدم برابری توزیع فرصتها و اهداف حاصل می‌شود و یا به دلیل تعارض‌های شدید فرهنگی اتفاق می‌افتد، پایداری را تبیین می‌نماید. در نهایت «رهیافتهای نوین جرم‌شناسی» که عمدتاً رهیافتهایی ترکیبی‌اند، بدون محدود ساختن خود بر یک علت منحصر به فرد، با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل گوناگون به ارائه یک الگوی مناسب جرم‌شناسانه، متناسب با بستر زمانی و مکانی یک جامعه می‌پردازند (عظیم‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۵۸).

در این رابطه بر اساس نتایج یک تحقیق که نگارنده ضمن مصاحبه‌ای که با تعدادی از مجرمین سابقه‌دار و کسانی که ارتکاب جرم را برای خود به صورت یک حرفه قرار داده بودند به عمل آورده و در یک بررسی میدانی و تحقیق

در اطراف علل و عواملی که منجر به پیشرفت سیر اقدامات مجرمانه و تحولات بزهکاری در آنها از اولین زمانی که علایم ناسازگاری در آنها مشاهده شده، ضمن بررسی پاسخها و تأثیر پاسخها در استمرار و یا توقف ناسازگاری و بزهکاری ملاحظه گردید که عمدتاً نمود و ظهور اولین علائم ناسازگاری و یا ارتکاب بزه در افراد موضوع این تحقیق در مقاطع سنی پایین و در دوران کودکی و نوجوانی آنها بوده که به لحاظ عدم برخورداری از پاسخهای مناسب و متناسب و به عبارتی به علت عدم رویارویی با پاسخها و موانع کارآمد، مفید و بازدارنده، در ادامه بزهکاری به عنوان رفتاری پایدار در شخصیت آنها تثبیت گردیده بود. بنابراین مجموع تبیینهای صورت گرفته و نتایج پژوهشها و تحقیقات بعمل آمده بر افراد موضوع این تحقیق جملگی مبین این موضوع بوده که اولین علائم ناسازگاری و رفتارهای انحرافی در این دسته از افراد که عمدتاً در دوران کودکی و نوجوانی بروز یافته بود، در نتیجه مجموعه‌ای از عوامل خطرزا که تحت عنوان «موقعیت و وضعیت پیش جنایی» یعنی اوضاع و احوالی که شخص را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و بدنبال آن عدم پاسخگویی صحیح، جملگی پیوند اجتماعی مثبت آنها را در دوران بزرگسالی به حداقل رسانده بود و نتیجتاً با ضعیف شدن نهادهای پیونددهنده و از جمله خانواده، دوستان و محیط از یک سوی و عدم دریافت پاسخها و موانع کارآمد و بازدارنده و پیشگیری‌کننده از سوی دیگر موجب و شرایط ورود آنها را به عرصه حرفه مجرمانه و بزهکاری فراهم نموده بود.

و لذا جایگاه عمده بحث پیرامون موضوع موقعیت و وضعیت پیش جنایی به شرح مطالب پیش گفته، دقیقاً در همین مرحله و مقطع سنی است که افراد در موقعیت شکل‌گیری و کمال‌یابی شخصیت هستند.

بنابراین باید گفت که مبنا و اساس موضوع ملاحظات و مداخلات پیشگیرانه در جلوگیری از ورود به عرصه حرفه مجرمانه از دوران کودکی و نوجوانی موضوعیت یافته و بر آن تأکید می‌گردد. در این راستا سازوکارهای پیشگیری رشد مدار مبتنی است بر مداخلاتی که از رشد ظرفیتهای و قابلیت‌های جنایی در افراد جلوگیری می‌کند و به همین منظور با تمرکز بر نهادهای جامعه‌پذیری نخستین همچون خانواده، مدرسه و گروه همسالان و بدنبال آن اتخاذ تدابیر مناسب و متناسب و ایجاد یک الگوی کارآمد و استاندارد در چنین نهادهایی، از این جهت که افراد، نخستین مرادوات و ارتباطات اجتماعی خود را با چنین نهادهایی برقرار می‌کنند، نهایتاً شرایط خطرزایی که موجب گرایش و سوق افراد به سمت ناسازگاری و بزهکاری است را در چنین نهادهایی مرتفع نموده تا بدین طریق از ورود افراد به عرصه بزهکاری و کجروی پیشگیری شود.

در این خصوص براساس یافته‌ها و نتایج حاصله از پژوهش بعمل آمده به شرح پیش گفته که چنانکه بیان گردید به صورت میدانی و از طریق مصاحبه و تمرکز بر تعداد قابل توجهی از مجرمین حرفه‌ای بدان دست یافتیم، در بررسی فرایند تحولات بزهکاری بدو علل و عوامل تأثیرگذار در بروز اولین علائم ناسازگاری، با توجه به موقعیت و شرایط سنی آنها (کودکی و نوجوانی) شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که از جمله مهمترین این علل و عوامل، موضوع عوامل خانوادگی و در اینخصوص آلودگیها، نابهنجاریها و مسائل و عوامل خطرزای موجود در آنها همچون ناتوانی والدین در امر تعلم و تربیت که خود متأثر از عوامل و متغیرهایی چون بیسوادی و یا کم سوادی و عدم برخورداری والدین آنها از آگاهی‌های لازم و مورد انتظار در مسائل تربیتی، اعتیاد، فقر، فقدان یا فوت یکی از والدین، خشونت، بدرفتاری و بی‌توجهی والدین (فقر عاطفی)، تقلید و همانندسازی باتوجه به موضوع اعتیاد والدین و همچنین موضوع فقر اقتصادی متأثر از کثرت اولاد، درآمد پایین، سکونت در منازل استیجاری، اعتیاد، مهاجرت و بیکاری، مدیریتهای ناکارآمد در مدرسه، رسانه و دوستان ناباب و مسأله تقلید و همانندسازی با آنها کاملاً مشخص



و به لحاظ تأثیرات سوی عمیقی که بر زندگی آنها گذارده بود ارتباط غیرقابل انکاری با اولین علائم ناسازگاری آنها که عمدتاً در سنین کودکی و نوجوانی آنها بروز یافته بود برقرار می‌کرد ضمن اینکه عمدتاً در مقام پاسخ به عملکردها و رفتارهای انحرافی و کجروانه آنها شاهد نوعی بی‌تفاوتی، حسب مورد از سوی والدین و سرپرستان و اطرافیان آنها بودیم که در واقع بخشی از این بی‌تفاوتی ناشی از عدم شناسایی چنین رفتارهایی به عنوان رفتارهای کجروانه و انحرافی بوده و بخشی دیگر ناشی از عدم شناسایی علل و عوامل بروز چنین رفتارهایی بوده که به واقع به دنبال نوعی نیاز از آنها سرزده و در ادامه در نتیجه عدم به کارگیری سیاستهای صحیح در امر پاسخگویی به آنها بوده است که چنانکه بیان گردید دلیل آن را می‌بایست حسب مورد در جهالت، ضعف و ناتوانی والدین و اطرافیان و خانواده آنها در امر به کارگیری اصول و مسائل تربیتی در هریک از مراحل رشد و نیز عدم انجام اقدامات حمایتی جستجو کرد و نکته مهم اینکه این بی‌تفاوتی و مسامحه و غفلت در امر پاسخگویی صحیح و متناسب نسبت به این افراد را عمدتاً در دورانی رصد نمودیم که آنها برای پذیرش تربیت و سازندگی آمادگی کاملی را دارا بوده‌اند ولیکن عدم دریافت پاسخ مناسب و متناسب و بعضاً در قالب بی‌تفاوتی و عدم درک نیازهای آنها موجب گردیده بود تا آنها در دوران رشد خود با بسیاری از مسائل بدآموز آشنا شوند و به تدریج این مسائل بدآموز در آنها استحکام یابد و پایدار شود و ظرفیتهای و قابلیت‌های جنایی در آنها رشد یابد و لذا ملاحظه می‌کنیم که چنانچه در مبارزه و مقابله با وضعیت و موقعیت پیش جنایی حاکم بر زندگی این افراد تمرکز لازم از جهت اعمال و اجرای صحیح سیاستهای کارآمد مورد انتظار در زندگی آنها صورت می‌گرفت، امروز این دسته از افراد را که به عنوان یک انسان دارای کرامت هستند در چنین شرایطی ملاحظه نمی‌کردیم.

بنابراین باید برنامه‌هایی را طراحی کرد که به نحو ترکیبی و با اجزاء چندگانه به رفع مؤلفه‌های خطر فردی، خانوادگی و نیز گسترش آموزه‌ها و آموزشهای مهارتی، حرفه‌ای و اصلاح اندیشه می‌پردازند. بنابراین آنچه که در مقابله و مبارزه با وضعیت و موقعیت پیش جنایی در راستای از بین بردن فرصتهای ارتکاب بزه و کجروی موضوعیت داشته و دارد اساساً موضوع پیشگیری در سطح اولیه و ثانویه آن است.

## ۲- واکاوی در سیاست جنایی تقنینی موجود در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای (بررسی و تحلیل راهبردها)

با عنایت به مجموع تبیینهای مطرح شده به شرح مطالب پیش گفته در تحلیل رابطه علی و معلولی در ماهیت و نحوه ورود این دسته از مجرمین به عرصه جرم و بزهکاری با عنوان علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی، به نظر در بررسی و تشریح راهبردهای سیاست جنایی تقنینی در رویارویی با این دسته از افراد می‌بایست از دو منظر و به عبارتی از دو جهت به واکاوی و بررسی در قوانین و مقررات و سیاستگذارهای تقنینی موجود پرداخت، اول از جهت تأثیر و نقش عمده و مهمی که وضعیت و موقعیت پیش جنایی در ورود شخص به این عرصه از بزهکاری داشته و دارد و اینکه سیاست جنایی تقنینی ما در مقابله و رویارویی با این شرایط و موقعیت آیا سیاستگذاری نموده است یا خیر؟

در صورت وجود و اقدام به سیاستگذاری، آیا سیاستهای اتخاذی و تقنینی موجود به نحو مورد انتظار کارآمد بوده است؟ آیا توانسته است خود را در انطباق با شرایط و تغییرات جدید به روز نماید؟ و...

دوم از این جهت که با اقلیتی از مجرمین مواجه هستیم که بهرحال با ورود به این عرصه از بزهکاری، ارتکاب جرم در آنها تثبیت و به مرحله پایداری در بزهکاری رسیده‌اند که در این شرایط نیز باز این سؤالات مطرح است که باتوجه به قائل شدن کرامت برای این افراد به عنوان یک انسان که بدنبال آن موضوع بازاجتماعی شدن آنها و

بازگشت آنها به زندگی شرافتمندانه مطرح می‌باشد، سیاست جنایی تقنینی ما در رسیدن به این هدف و مقصود چه راهبردها و سیاست‌گذاریهایی را در نظر گرفته است؟ آیا اساساً راهبردهای قانونی و تقنینی وجود دارد؟ در صورت وجود، آیا سیاستهای تقنینی موجود به نحو مورد انتظار کارآمد بوده است یا خیر؟ که ذیلاً به تشریح هر یک می‌پردازیم:

### ۲-۱ سیاست جنایی تقنینی ایران در رویارویی با موقعیت و وضعیت پیش‌جنایی

با عنایت به ارتباط موجود بین اجزاء سیاست جنایی، بدو در ورود به این بحث که جایگاه سیاست جنایی تقنینی ایران در رویارویی با موقعیت و وضعیت پیش‌جنایی چگونه و با چه ماهیتی توجیه می‌شود ذکر چند نکته لازم و ضروری است بدین توضیح که همانگونه که در مباحث قبلی نیز بدان اشاره گردید، آنچه که ذکر آن بدنبال بحث پیرامون علل و عوامل زمینه‌ساز بزهکاری یا انحراف و کجروی در تحلیل راهبردهای سیاست جنایی قابل بحث و بررسی است موضوع «موقعیت و یا وضعیت پیش‌جنایی» است در این خصوص حرکت در مسیر رهیافتهای پیشگیرانه رشد مدار، مقابله با شرایط و عوامل اجتماعی خطرزای حاکم بر زندگی افرادی که با توجه به موقعیت سنی در شرایط بسیار حساس تأثیرپذیری قرار دارند، اعمال یک سیاست جنایی کارآمد در تمامی ابعاد و اجزای آن، از جمله راهبردهایی است که در رسیدن به آن تلاش می‌شود تا بدین نحو ضمن رفع معضلات اجتماعی حاکم بر زندگی و رفع گرفتاریهای آنان و رسیدن به توسعه پایدار اجتماعی، با ارتقاء و بالابردن سطح و سبک زندگی در آنان از جهات مختلف، از ورود آنان به دنیای بزهکاری و عرصه حرفه مجرمانه پیشگیری گردد در اینخصوص از جمله راهبردهای مهمی که در حوزه سیاست جزایی می‌توان بر آن تاکید کرد راهبردهایی است که در حوزه سیاست جنایی مشارکتی، چه در مرحله پیشگیری اولیه و ثانویه و چه در مرحله پیشگیری ثالثه می‌توان اتخاذ نمود چرا که به باور نگارنده چنانچه در این حوزه از سیاست جنایی بتوانیم توانمند و کارآمد و قوی عمل نماییم گام مؤثر و بلندی در حوزه رویارویی با این دسته از مجرمین در حوزه پیشگیری از ورود به این مرحله از بزهکاری برداشته‌ایم و مسلماً این مهم حاصل نمی‌گردد مگر با مشارکت مردم یا همان جامعه مدنی، چرا که اولاً طیف گسترده نیازهای مردمی موجب گردیده تا دولت‌ها نتوانند به تنهایی قادر به تأمین این نیازها باشند. اگرچه عملکرد مدیران و مسئولین مربوطه نیز موضوعی است قابل تأمل که پرداختن به آن نوشتار مستقلی را می‌طلبد. دوماً مشارکتهای مردمی خود می‌تواند کمک شایان و قابل توجهی به اصلاح دائمی ساختارها در رسیدن به عدالت نماید به نحوی که دولت‌ها، مدیران و مسئولین مربوطه را وادار کنند تا در انجام وظایف خود جدی بوده و مداخلات آنها به واقع تذکری می‌باشد تا ضمن پرهیز از اعمال غیر قانونی در فعالیتهای خود شفافیت بیشتری نیز داشته باشند و به واقع موجب مسئولیت‌پذیری بیشتر در مسئولین دولتی نیز می‌شود.

سازمانهای غیردولتی و مردم نهاد (سمن‌ها) که به عنوان یک گروه اجتماعی و برخوردار از هویت اجتماعی، سازمانی و غیردولتی و البته متمایز از بخش خصوصی با جهت‌گیری غیرانتفاعی که غالباً عاری از اهداف کسبی می‌باشند و براساس زمینه فعالیت در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، خانواده و ... فعال می‌باشند، قطعاً در بحث پیرامون سیاست جنایی مشارکتی از نوع کنشی از مهمترین و تاثیرگذارترین کنشگران و مجریان راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی می‌باشند.

به عنوان مثال ملاحظه می‌کنیم که سمن‌هایی که در حوزه آسیبهای اجتماعی فعال هستند افراد زیادی همچون کارتن‌خوابها، کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست، معتادان، افراد محروم از تحصیل، مستمندان، کودکان کار و خیابانی، معلولان جسمی و ذهنی، زنان سرپرست خانوار و ... را مورد توجه قرار می‌دهند بنابراین بدیهی است که افزایش

کارآیی چنین سمن‌هایی باعث بهبود وضعیت گروه‌های آسیب‌پذیر فوق می‌شود، در مقابل کاهش کارایی سازمانهای مذکور می‌تواند به وخیم‌تر شدن اوضاع چنین اقشاری منجر شود (رازقی، لطفی خاچکی، بهنام، ۱۳۹۷: ۹۶).

لذا از آنجائیکه در پژوهش حاضر نگارنده بر این باور است که در رسیدن به راهکارها و پیشنهادهاى اصلاحی در خروج از بحران و شرایط موجود اساساً می‌بایست با تمرکز بر موقعیت و وضعیت پیش‌جنایی و در مسیر رهیافتهای پیشگیرانه رشد مدار و راهبردهای توسعه اجتماعی و با نیل به یک توسعه پایدار اجتماعی و به تبع آن ارتقاء کیفیت و سبک زندگی افرادی که با برخورداری از موقعیت و وضعیت پیش‌جنایی مستعد ورود به این عرصه از بزهکاری هستند و نیز تقویت پیوندهای اجتماعی آنان و... معضلات اجتماعی حاکم بر زندگی آنها را که به عنوان شرایط و عوامل خطرزای حاکم بر زندگی آنها خصوصاً با توجه به موقعیت سنی آنها مطرح هستند رفع نموده و بدین طریق از ورود آنان به دنیای بزهکاری و رفتارهای انحرافی و مجرمانه پیشگیری و جلوگیری نماییم.

براساس رویکرد توسعه اجتماعی، توسعه را نمی‌توان برای انسانها به ارمغان آورد و یا به آنها تحمیل کرد. انسان‌ها باید به عنوان آفرینشگران فعال در فرایند تکوین و تولید توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه واقعی حاصل رفتارهای خلاق عاملین انسانی توسعه است. مردم باید به طور دائمی و در جریان برنامه ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه مشارکت داشته و با رفتارها و تصمیم‌گیریهای خود توسعه را بیافرینند و دستاوردهای آن را همچون محصول رفتارها و نگرش‌های خویش، درک کنند. توسعه اجتماعی - بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد. در این صورت جمعیتها، سازمانها و نهادهای مردمی شرکت‌کنندگان اصلی در فرآیند توسعه می‌باشند. (جوانی، ۱۳۹۸: ۹۹ و ۱۰۰)

از طرف دیگر امروزه اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی در برنامه‌های توسعه کشور به ویژه جایگاه نهاد اجتماعی بر کارشناسان و صاحب‌نظران امور اجتماعی و اقتصادی پوشیده نیست. شرایط اجتماعی به عنوان هنجارها و ارزشهای غریزی مشترک میان اعضای یک گروه سنگ بنای هرگونه فعالیت جمعی غیرانتفاعی به شمار می‌آید. بدون وجود ارزشهای مشترک و همگانی که تعدادی از افراد خود را به آن متعهد بدانند نمی‌توان انتظار داشت که این افراد فعالیتی را آغاز کنند که نه تنها هیچگونه نفع اقتصادی برای آنها در بر نداشته باشد بلکه مستلزم صرف منابع مالی و نیز وقت و انرژی باشد بنابراین شکل‌گیری و رشد سازمانهای مردم‌نهاد در یک جامعه مستلزم وجود سطح قابل توجهی از سرمایه اجتماعی در آن جامعه است (همان، ۱۰۰)

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنشهای اجتماعی می‌شود به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود برد. از این رو شناسایی عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. تعدادی از عناصر اصلی که می‌توان سرمایه اجتماعی را با آن مورد اندازه‌گیری قرار دارد عبارتند از: آگاهی به امور عمومی، سیاسی، اجتماعی، وجود انگیزه در افراد جامعه، که در پی کسب این دسته از آگاهی‌ها برآیند، اعتماد عمومی به یکدیگر، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی، مشارکت غیررسمی همیارانه در فعالیتهای داوطلبانه در تشکل‌های غیردولتی، خیریه‌ای، مذهبی، اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی و علمی و.... در مجموع می‌توان گفت که یکی از معیارهای اصلی در شناخت سرمایه اجتماعی شکل و شیوه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و نحوه همزیستی آنها در جامعه مورد مطالعه است. از دیگر معیارها می‌توان به احساس مردم نسبت به حکومت و مردم اشاره کرد و نیز داشتن احساس خوشایند نسبت به امنیت، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی و امیدواری نسبت به

آینده از معیارهای مطرح محسوب می‌شود. به نظر اغلب صاحب نظران، سرمایه اجتماعی در کاربردش در حوزه جامعه شناسی دارای سه مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی است که در یک رابطه متعادل قرار گرفته و هرکدام تقویت کننده دیگری اند. مفهوم مشارکت اجتماعی فرایند سازمان یافته‌ای است که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص به منظور سهم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد. نمود عینی چنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی همچون انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمانهای محلی و غیردولتی است. (همان، ۱۰۲)

بنابراین با توجه به محورهای عمده فعالیت سازمان‌های غیر دولتی (سمن‌ها) و اهداف و رویکردهای آنها امروزه جریان اثربخشی و بازدهی بالای چنین سازمانهایی که مبین و نمود عینی مشارکتهای اجتماعی و مردمی است بر صاحب نظران و اندیشمندان در حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی پوشیده نیست، به واقع خود متضمن طیف گسترده‌ای از تدابیر و راهبردهایی در حوزه سیاست جنایی مشارکتی است که با توجه به نقاط قوت چنین سازمانهایی و برخورداری از ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی چون غیرقهرآمیز بودن و فقدان جایگاه در آنها برای مجازاتها و نیز نقشی که در امحاء و ریشه کنی مجموعه علل و عوامل زمینه ساز بزهکاری و رفتارهای مجرمانه و انحرافی دارند و از طرفی در کاهش بار مشکلات اجرایی دولت نیز ایفای نقش می‌کنند، بر ضرورت تمرکز بر چنین سازمانهایی و در این راستا توانمندسازی و رفع نقاط ضعف و مشکلات پیرامونی آنها و از جمله از طریق سیاستگذاری کارآمد در حوزه تقنین و قانونمندی سازی و رفع خلأهای قانونی باتوجه به پژوهش‌های صورت گرفته و شناسایی خلأها و مشکلات موجود و حاکم بر چنین سازمانهایی براساس تأیید اهل فن تأکید می‌گردد. در این رابطه تحقیقات صورت گرفته جملگی حکایت از وجود مشکلات و موانع موجود پیش روی آنها دارد که از جمله مشکلات و موانع قابل تأمل، موضوع فقدان و نبود سازوکارها و راهبردهای تقنینی در این خصوص می‌باشد.

در این رابطه، موضوع وضع و اصلاح ضوابط و قوانین موجود در مرحله تأسیس چنین سازمانهایی و سیاستگذاری در راستای انجام و تنظیم نوع و ماهیت ارتباط آنها با دولت و در این راستا جلوگیری از استفاده ابزاری از آنها توسط دولت و پیشگیری از عقیم ماندن طرحهای آنها و جلوگیری از ایجاد بی اعتمادی چنین سازمانهایی به دولت، سیاستگذاری در راستای تنظیم مطالبات مشخص چنین سمن‌هایی نسبت به دولت و نیز متشکل و شبکه‌ای شدن چنین سازمانهایی، ایجاد یک درک منسجم و یکپارچه نسبت به دولت، سیاستگذاری در راستای شفافیت و مشخص نمودن معیارها و سازوکارهای دقیق نظارتی دولت و متقابلاً فراهم شدن و مدون و منظم شدن سازوکارهای نظارتی بدین نحو از سوی مردم نسبت به دولت، در حوزه سیاست جنایی تقنینی از جمله موضوعات مهمی است که بر آنها تأکید می‌گردد که بدیهی است اتخاذ یک سیاست کارآمد در این حوزه از سیاست جنایی خود منتج و منجر به گسترش و تعمیق مشارکتهای مردمی و ایجاد انسجام در بین اعضای جامعه با فائق آمدن بر معضلات حاکم بر زندگی افراد و ارتقاء سطح کیفی زندگی آنها می‌گردد و بدین ترتیب با فراهم آمدن اسباب حرکت مردم و جامعه به سوی هدف‌های مطلوب از ورود افراد به عرصه‌ی جرم و بزهکاری نیز پیشگیری می‌گردد. لذا شایسته است که در بررسی و واکاوی سیاست جنایی موجود با تمرکز بر وضعیت و موقعیت پیش جنایی، ذیلاً به ذکر نمونه‌هایی از مصادیق قانونگذاری در حوزه سیاست جنایی تقنینی بپردازیم:

با عنایت به مطالب پیش گفته و انتظار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مواجهه و مقابله با وضعیت و موقعیت پیش‌جنایی، اساساً یکی از مهمترین و برجسته‌ترین راهبردهای مورد انتظار در حوزه سیاست جنایی تقنینی تمرکز بر موضوع و بحث پیشگیری است که قطعاً باتوجه به مفهوم و تعریف پیشگیری از نقطه نظر جرم‌شناسی، پیشگیری در سطح اولیه و ثانویه و به عبارتی پیشگیری در مفهوم و معنای مضیق آن (تدابیر و اقدامات غیرکیفری) از جمله ملاحظات خاص در اینخصوص می‌باشد. در این رابطه در بررسی و واکاوی در قوانین موجود، قانون اساسی به عنوان بنیادی‌ترین قانون در کشور، بدین موضوع نیز پرداخته است که قطعاً کلیه قوانین و مقررات می‌بایست در راستای این قانون و اصول آن باشند.

با عنایت به مجموع نظریاتی که از طرف حقوقدانان و جرم‌شناسان در اینخصوص، مطرح و ارائه گردیده است می‌توانیم بگوییم بند ۴ اصل ۱۵۶ مبنای حقوق جزا و بند ۵ اصل ۱۵۶ مبنای پیشگیری است. بند ۴ و ۵ اصل ۱۵۶ به طور عام سیاست جنایی ماست. بند ۴ به طور خاص به سیاست کیفری مربوط است. لذا خبرگان قانون اساسی برای مبارزه با جرم، سرکوبی و پیشگیری را با هم مطرح کرده‌اند. بند ۴، حکایت از پیشگیری کیفری دارد و در واقع ناظر به اجرای مجازاتها، اجرای عدالت کیفری و پیشگیری از بزهکاری از طریق تهدید مجرمین به مجازات می‌باشد.

قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به پیشگیری از جرم به طور عام مربوط است. از این قسمت پیشگیری غیرکیفری را استنباط می‌کنیم. قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ راجع به اصلاح مجرمین است. مجرمین همان محکومین به زندان هستند و چون زندان از تشکیلات وابسته به قوه قضاییه است، اصلاح مجرمین از وظایف آن قوه می‌باشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳، ۷۲۶ و ۷۲۷).

در این رابطه سؤال دیگری که مطرح گردیده اینکه آیا واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به معنای علمی و متداول آن (پیشگیری غیرکیفری) به قوه قضاییه باتوجه به فلسفه وجودی این قوه و گستردگی مسأله پیشگیری از جرم در معنای علمی، درست است؟ و برای حل مشکل باتوجه به واقعیتی به نام قانون اساسی چه راهکاری می‌توان ارائه کرد؟

دکتر نجفی ابرندآبادی در زمینه مدیریت پیشگیری از جرم معتقد است: «اکنون واقعیتی به نام قانون اساسی داریم که هنوز معلوم نیست چه زمانی بازنگری شود، پس برای وضع موجود باید راه حلی یافت که علمی باشد و بدین ترتیب یا این قرائت که بند پنج اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی ترجمه عنوان کنگره‌های پنج ساله پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است و قوه قضاییه با استفاده از مطالعات این کنگره‌ها، پیشگیری از وقوع جرم را در سطح جامعه مدیریت و سیاست‌گذاری می‌کند. به نظر ایشان استنباط از بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی باید ضمیمه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه پیشگیری و پس از ارائه آنها در قالب لوایح قانونی با آیین‌نامه‌های خاص یا بخشنامه‌های لازم‌الاتباع توسط سایر ارگانها و نهادهای عمومی، توسط قوه قضاییه باشد. بدین معنا که این قوه باید در بطن خود کمیسیون ویژه‌ای را با عضویت نمایندگان نهادهای پلیسی، قضایی، فرهنگی، بهداشتی، مدنی و ... تشکیل داده و وظایف و طرز کار و جایگاه مصوبات خود را از طریق ارائه لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه اجرای بند پنج اصل ۱۵۶ قانون اساسی» به مجلس شورای اسلامی، مشخص و معین نماید در این چارچوب قوه قضاییه با رعایت آن، در واقع به عنوان ریاست فائده «کمیسیون مطالعات پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین» نقش هماهنگ کننده برنامه‌های پیشگیرانه را در سطح نهادهای دولتی و جامعه‌ی ایفاء خواهد کرد (زینالی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

بدین ترتیب به نظر ایشان چنانچه استنباط، از بند ۵ این باشد که صرفاً قوه قضاییه یا نهادهای وابسته به آن، باید خود کارهای عملیاتی و سیاستگذاری برای پیشگیری از جرم را انجام دهند، یک برداشت کاملاً سطحی از نظر خبرگان تدوین کننده قانون اساسی است. ملاحظه می شود که دیدگاه بالا از یک سو، می پذیرد که واگذاری چنین مسئولیتی به قوه قضاییه اشتباه است و از سوی دیگر با پذیرش واقعیتی به نام «قانون اساسی» خواهان شکل دهی پیشگیری در معنای علمی و جرم شناسانه با مدیریت و سیاستگذاری قوه قضاییه است (همان، ۱۱۰).

۲-۱-۲ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات ۱۳۸۹ و ۱۳۹۶

ماده ۳۳ این قانون مقرر می دارد: به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرائی و قضائی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و اعضای ستاد بشرح زیر می باشند:

۱. رئیس جمهور
۲. دادستان کل کشور
۳. وزیر کشور
۴. وزیر اطلاعات
۵. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۶. وزیر آموزش و پرورش
۷. رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۸. فرمانده نیروی انتظامی
۹. سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی ایران
۱۰. سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی
۱۱. فرمانده نیروی مقاومت بسیج
۱۲. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

تبصره ۱- رئیس جمهور می تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه با مواد مخدر یک نفر نماینده از جانب خود تعیین نماید.

تبصره ۲- برای پیشگیری از ارتکاب جرائم مواد مخدر، دولت موظف است هر سال بودجه ای برای این امر اختصاص و به دستگاههای ذیربط موضوع همین ماده ابلاغ نماید. با عنایت به متن ماده قانونی موصوف ذکر چند نکته لازم و ضروری است بدین توضیح که:

حضور اعضای همچون رئیس جمهور، وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشان از توجه قانون گذار به نقش فعالیتهای فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی در پیشگیری از اعتیاد و سایر جرائم مرتبط با مواد مخدر است. هرچند قانون گذار می بایست با توجه به نقش مشکلات اقتصادی و بیکاری در گرایش به اعتیاد و سایر جرائم مواد مخدر، وزیران اقتصاد و کار را نیز به عنوان اعضا تعیین می کرد و حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز برای هماهنگی های لازم در راستای تصویب قوانین ضروری می نماید (زنیالی، همان: ۱۱۳) ولیکن این خود بیانگر توجه

قانونگذار به موضوع پیشگیری در سطح اولیه و ثانویه است خصوصاً اینکه متن ماده ۳۴ این قانون که تهیه آئین‌نامه‌ای اجرائی را به ستاد مبارزه با مواد مخدر و به دنبال آن تصویب آئین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد نیز چنین حکایتی دارد به عنوان مثال ملاحظه می‌کنیم که برابر آئین‌نامه مذکور تکلیف وزارت آموزش و پرورش به اتخاذ تدابیر لازم در شناسایی دانش‌آموزان در معرض آسیب همچون دانش‌آموزانی که از والدین معتاد برخوردارند و یا در حال تحمل حبس بوده و یا تکلیف بر وزارت بهداشت مبنی بر تمهید اقدامات لازم برای گسترش مشارکتهای مردمی در پیشگیری و درمان اعتیاد جملگی حکایت از توجه به اقدامات قبل از وقوع جرم در قالب پیشگیری از وقوع جرم می‌نماید.

همچنین ملاحظه می‌گردد که در ماده ۳۵ این قانون (الحاقی مصوب ۱۳۸۹/۵/۹) قانونگذار مقرر می‌دارد: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب به مرتکب بر مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود.» که این خود مبین حمایت قانونگذار از اطفال و نوجوانان در معرض آسیب و خطر و توجه قانونگذار بدین موضوع می‌باشد.

### ۳-۱-۲ قانون نیروی انتظامی:

با عنایت به بند (د) از بند ۸ از ماده ۴ این قانون از زمره وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی پیشگیری از وقوع جرائم است. در اینخصوص در بررسی گسترده و قلمرو وظایف و مسئولیت‌های پلیس، وظایف پلیس در سه سطح سنتی، محلی و اداری و قضایی قابل بررسی است.

**الف) پلیس سنتی:** پلیس گاهی به عنوان نظم و حکومت معروف است. در واقع قلمرو مأموریت این پلیس حمایت از نظم عمومی و مهار خشونت در جامعه است. این نوع پلیس می‌کوشد با حفظ آرمانها و نظم عمومی (داخلی و خارجی) به اهداف خود برسد، تفکر حاکم بر آنها نظامی، ارتشی و جنگی است و دارای نظم سازمانی خاص و تابع سلسله مراتب بسیار سخت و دشواری است (پاسکوا، ۱۳۷۷: ۳۲ به نقل از زینالی، امیر حمزه، همان: ۱۱۶)

**ب) پلیس محلی:** این پلیس شهری و محدود به مناطق است و وظیفه اصلی آن حفظ آرامش و آسایش عمومی و خدمات و کمک به مردم است. از این رو با انواع وظایف متنوع و اداری به وجود می‌آید (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱: ۶۳، به نقل از زینالی، امیر حمزه، همان: ۱۱۶)

**ج) پلیس قضایی:** برخلاف پلیس محلی یا اداری که وظیفه حفظ نظم و آرامش قبل از وقوع جرم را در جامعه برعهده دارد، وظیفه پلیس قضایی دقیقاً بعد از وقوع جرم شروع می‌گردد، یعنی اگر جرمی واقع شود، وظیفه دستگیری متهم، انجام تحقیقات مقدماتی قبل از دخالت مقام قضایی، جلوگیری از فرار متهم، کمک به مقام قضایی در امر تعقیب و تحقیقات و به طور کلی تمام وظایف بعد از وقوع جرم به آنها محول می‌شود.

بنابراین پیشگیری از وقوع جرم از وظایف پلیس اداری است و وظیفه پلیس سنتی حفظ امنیت مرزها و دفاع از ارکان نظام است و پیشگیری نمی تواند با چنین ساختاری مطابقت داشته باشد، پلیس قضایی نیز پس از وقوع جرم وارد عمل می شود، سپس همانطور که گفتیم با توجه به اینکه پیشگیری به معنا علمی و متداول به اقدامات قبل از وقوع جرم بر می گردد، پیشگیری از وقوع جرم نمی تواند از وظایف آن باشد، وظیفه پیشگیری از جرم به معنای علمی فقط می تواند از وظایف پلیس اداری باشد چرا که اقداماتی که این پلیس برای پیشگیری انجام می دهد ناظر به قبل از وقوع جرم است و جنبه کنشی دارد، (زینالی، همان: ۱۱۶)

بنابراین با عنایت به عدم تفکیک در قانون نیروی انتظامی ایران بین پلیس سنتی، اداری و قضایی، همانگونه که اندیشمندان حقوق کیفری نیز بر آن تأکید دارند تفکیک پلیس سنتی، اداری و قضایی ضرورت داشته و دارد چرا که اساساً چنانکه بیان گردید وظیفه پیشگیری از وقوع جرم در معنای یادشده و علمی از وظایف پلیس اداری است.

۴-۱-۲ لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی مصوب ۱۳۵۹ و قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به

تشکیل سازمان بهزیستی مصوب ۱۳۵۹ مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۹ مجلس شورای اسلامی

به موجب ماده واحده لایحه تشکیل سازمان بهزیستی، سازمان بهزیستی کشور، با هدف و به منظور تأمین موجبات برنامه ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه های بهزیستی در زمینه حمایت خانواده های بی سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و توان بخشی حرفه ای و اجتماعی معلول جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی سرپرست و معلولین غیرقابل توانبخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توان بخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت گروههای داوطلب و مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می شود.

۵-۱-۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴

این قانون که مجری آن سازمان بهزیستی کشور بوده است. نیز گامی است در راستای پیشگیری اولیه و ثانویه که حمایت از افراد در معرض خطر و آسیبهای اجتماعی

۶-۱-۲ آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ با اصلاحات

و الحاقات بعدی:

دراین رابطه نیز گفته شده است که سازمان زندانها و اقدامات تأمینی به عنوان یکی از آخرین ایستگاههای چرخه عدالت کیفری، در واقع به بهترین مکان برای شناخت علل ارتکاب جرم است، چرا که این سازمان از نزدیک با مجرمان در ارتباط است و با انجام مطالعات و تحقیقات میدانی می تواند به انگیزه ها و علل ارتکاب جرم پی ببرد و در نتیجه به شناسایی و روشهای پیشگیری از وقوع جرم قادر است. (زینالی، همان: ۱۲۰)

۷-۱-۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲/۶/۳۱

۸-۱-۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۹۹/۲/۲۳

با عنایت به پیمان نامه حقوق کودک و رویکردهای حمایتی نویسندگان آن در فراهم ساختن زمینه و بستر مناسب در راستای اصلاح و بازاجتماعی نمودن این قشر از جامعه و نیز اتخاذ تدابیر پیشگیرانه با ماهیتی کنشی و غیرقهرآمیز در پیشگیری و جلوگیری از ورود این دسته از افراد در ورود به عرصه جرم و بزهکاری که به واقع از حقوق بنیادین آنان بوده، چنانکه ملاحظه می کنیم دولتها در الزام در به کارگیری و رعایت مفاد آن اقدام به سیاستگذاری در حوزه



حقوق داخلی خود نیز نموده اند در کشور ایران نیز ملاحظه می‌کنیم که قانون گذار ایرانی در همین راستا گام‌های قابل توجهی را برداشته که جدای از بحث مشکلات اجرایی سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته، خود نشان از توجه قانون گذار به این مهم بوده در این راستا از جمله اقدامات مهم قانون گذاری در حوزه سیاست جنایی تقنینی در تمرکز بر موفقیت بیش جنایی قانونی یادشده می‌باشد.

#### ۹-۱-۲ قانون مدنی ( موضوع ماده ۱۱۷۳ از قانون مدنی)

به موجب این ماده قانونی با عنوان حمایت‌های مدنی نیز ملاحظه می‌گردد که قانون گذار در آن وضعیت کودکان در معرض خطر را مورد توجه قرار داده است:

#### ۱۰-۱-۲ ماده ۷۹ قانون کار

ماده ۷۹ قانون کار ایران مقرر می‌دارد «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است» با عنایت به اسناد و مقاله نامه‌های بین‌المللی، کاری که به گونه‌ای رشد جسمی، روانی، فرهنگی و اجتماعی کودک را مختل نماید منع گردیده است و بدین ترتیب منع به کارگیری غیرانسانی کودکان در کارگاه‌های تولیدی موجب گردیده تا در قوانین کار محدودیتهایی در به کارگیری کودکان لحاظ گردد لذا ملاحظه می‌کنیم که قانون گذار ایرانی نیز در اینخصوص با وضع و تصویب قانون کار بدین مهم توجه داشته است.

#### ۲-۲ سیاست جنایی تقنینی ایران در مواجهه و رویارویی با پدیده تکرار جرم و پایداری در بزهکاری

در این بخش قطعاً سیاست جنایی تقنینی در ارتباط با مقطع زمانی ارزیابی می‌شود که فرد از بحث موقعیت و وضعیت پیش جنایی فراتر رفته و با ورود به عرصه بزهکاری و تکرار جرم، جریان بزهکاری در آنها تثبیت و پایدار گردیده است. لذا در اینخصوص این سؤال مهم و اساسی همواره مطرح است که سیاست جنایی تقنینی ایران در شرایطی که فرد به موقعیت و شرایط پایداری در بزهکاری رسیده و رویارویی و مواجهه با چنین شرایطی که از این فرد با عنوان مجرم حرفه‌ای یاد می‌شود از چه رویکردهایی و چه سیاست‌گذاریهایی برخوردار است؟.....

#### ۱-۲-۲ رویکرد تقنینی در تکرار جرم

با تأمل در ماهیت و محتوای قوانین کیفری ایران در طول ادوار گذشته تا کنون ملاحظه می‌گردد که سیاست جنایی تقنینی ایران در مواجهه با تکرار کنندگان جرم نظر بر تشدید داشته است. در اینخصوص در بررسی سیر تاریخی قوانین ایران ملاحظه می‌کنیم در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ قانون گذار ضمن پرداختن به موضوع تکرار جرم و حتی در اصلاحات بعدی آن قائل به تشدید مجازات تکرار کنندگان جرم داشته است. در ادامه در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ نیز به شرح مندرج در ماده ۲۵ این قانون ضمن نظر بر تشدید در ادامه تبصره این ماده به این نکته نیز اشاره نموده که دادگاه مکلف است با توجه به تعداد سوابق محکومیت قطعی متهم مجازات را با خصوصیات شخصی او از قبیل رفتار اجتماعی یا تمایل یا عادت او به ارتکاب بزه منطبق سازد و استثنائاً حسب ماده ۲۶ و بند (ط) از ماده ۳۲ مقررات تکرار جرم را درمورد مجرمین سیاسی و اطفال بزهکار مجری ندانسته بود.

پس از انقلاب اسلامی نیز باز چنین ملاحظاتی را می‌توان رصد نمود، در این رابطه با عنایت به ماده ۱۹ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ که مقرر می‌دارد «هرکس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب همان جرم گردد دادگاه می‌تواند مجازات او را در صورت لزوم

تشدید نماید.» پذیرش تکرار دائم جرم بدون تحدید آن به محدوده زمانی، امکان اجرای قواعد تکرار در مورد تمام بزهکاران حتی اطفال و مجرمین سیاسی، عدم تصریح به امکان جمع کیفیات مختصه با شرایط تکرار جرم و عدم تعیین حدود و ثغور تشدید کیفر تکرارکنندگان، همه نشان از رویکرد سزادهنده آن داشته است. سکوت قانون‌گذار در تعیین سقف افزایش کیفر، نه تنها خلاف اصل قانونی بودن مجازات‌ها بوده بلکه به تضییع حقوق بزهکار نیز منتهی می‌شود. ایرادی که متعاقباً در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز مشاهده و در طی سالها منجر به تشتت نظریات و آرای کیفری گردیده است (عظیم زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و لذا اگرچه متعاقباً با صدور رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان‌های کشور فاقد وجاهت قانونی بودن تعیین مجازات برای متهم به بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون اینکه نص صریحی وجود داشته باشد تأکید شد و لیکن باز در بررسی نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با تکرارکنندگان جرم و بزهکاران پایدار در جرم‌های تعزیری و بازدارنده شاهد رویکرد سزادهنده قانون‌گذار می‌باشیم. در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید اگرچه قانونگذار در ارتباط با تکرار جرم به موجب ماده ۱۳۷ این قانون رویکردی شبیه قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ دارد و مرتکب را مستحق تشدید مجازات می‌داند. چنانکه ملاحظه می‌کنیم قانون‌گذار به موجب این ماده مقرر می‌دارد «هرکس موجب حکم قطعی به یکی از مجازاتهای تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری شود به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.»

ولیکن ملاحظه می‌گردد که ضمن اینکه قائل به عدم اجرای مقررات تکرار جرم در جرایم سیاسی و جرایم اطفال می‌باشد با توجه به ماده ۱۳۹ این قانون در نهایت برای شخص تکرارکننده جرم در صورت وجود جهات تخفیف قائل به اعمال تخفیف گردیده است.

## ۲-۲-۲ دادرسی افتراقی در رویارویی با کودکان و نوجوانان بزهکار

در طول زمان و در اکثر جوامع این نظر پذیرفته شده است که هنگامی که کودکان در تعارض با قانون قرار می‌گیرند، به گونه‌ای متفاوت از بزرگسالان با آنان رفتار می‌شود. تفکیک متخلفان کودک و نوجوان از بزرگسال، نشان دهنده نگرانی جامعه نسبت به مشکلات کودکان است. بسیاری از کارشناسان و متخصصین بر این باورند که کودکان را می‌توان مورد بازپروری قرار داد. از اینرو باید با آنان برخوردی به مراتب ملایم‌تر از بزرگسالان صورت گیرد. در حال حاضر کودکانی که متهم به نقض قانون و ارتکاب جرم هستند، به دلیل شرایط سن، موقعیت و نیازهای خاص، حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه را دارند. (معظمی، ۱۳۹۴: ۱۷)

با عنایت به فراز و نشیبی که در طی ادوار گذشته در حوزه سیاست جنایی تقنینی در نیل به یک دادرسی منصفانه و عادلانه و افتراقی و در رسیدن به یک سیاست جنایی خاص و کارآمد ملاحظه می‌کنیم، در نهایت قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با در نظر گرفتن یک فصل مستقل برای مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، راهبردها و راهکارهای متعددی را در ارائه و اکنش و پاسخ مناسب در قالب پاسخهای اصلاحی، اجتماعی، تربیتی و .... در کنار یک دادرسی افتراقی در نظر گرفته است.

در این رابطه تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی‌های اطفال و نوجوانان و در این راستا الزام به تشکیل پرونده شخصیت با توجه به مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای فردی کردن هر چه بهتر واکنش‌ها، انجام تحقیقات مقدماتی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه در راستای به حداقل رساندن حضور کودک در پهنه عدالت کیفری که به نظر خود می‌تواند نمود و جلوه‌ای از پیشگیری و جلوگیری از پایداری بزهکاری باشد، پیش‌بینی پلیس ویژه اطفال و در این راستا به رسمیت شناختن ضابطین زن، دادسرای ویژه تخصصی، دادگاه تخصصی اطفال و نوجوانان، حضور وکیل در فرایند رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، به رسمیت شناختن سازمانهای مردم نهاد در راستای اعلام جرم و پیگیری و شرکت در فرآیند رسیدگی در حمایت از اطفال و نوجوانان و ... از جمله نوآوری‌های موجود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ می‌باشد که در بررسی ادوار تقنینی گذشته به شکل حاضر فاقد سابقه در قوانین بوده است. از جمله گامهای مثبتی است که در حرکت در مسیر اسناد حقوقی بین‌المللی و از جمله مفاد کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک برداشته شده است.

### ۳-۲-۲ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴

اگرچه انتقادات و ابهاماتی در اجرای این قانون به جهت عدم رعایت اصول جرم‌شناسانه پیشگیری، وجود دارد ولیکن با عنایت به اصول مندرج در قانون اساسی در خصوص موضوع پیشگیری از جرم و نیز دیگر مقرره‌های قانونی و از جمله قانون پیشگیری از وقوع جرم، جملگی حکایت از این می‌نماید که موضوع پیشگیری از وقوع جرم در سیاست جنایی ایران دارای جایگاه است.

باعنایت به مجموع مطالب پیش گفته در بررسی سیاست جنایی تقنینی موجود در ارزیابی آن با سیاست جنایی تقنینی مورد انتظار چنین برداشت می‌گردد که اگرچه گامهای مؤثر و مهمی در حوزه سیاست جنایی تقنینی و سیاستگذاری برداشته شده است که به اختصار بعضاً بدانها اشاره گردید ولیکن تا رسیدن به سیاست جنایی تقنینی مورد انتظار که قطعاً در سایر حوزه‌ها و اجزاء تأثیرگذار است فاصله داریم، در این راستا نواقص، کاستی‌ها و خلأهای قانونگذاری مؤید این موضوع است که در تطبیق با حقوق پیشرفته، کاستی‌ها و خلأهای موجود نمود عینی دارد به عنوان مثال در حوزه جرائم علیه عدالت قضایی و جرم‌انگاری در زمینه ترک فعلها و الزامات که به باور نگارنده گام بسیار مهمی می‌تواند هم در بخش موقعیت پیش جنایی و بحث پیشگیری اولیه و ثانویه و هم در بخش مقابله و رویارویی با موضوع پایداری و بزهکاری باشد که مصادیق آن را به شکلهای مختلف در حقوق پیشرفته اروپایی و از جمله در مقررات جزایی کشور فرانسه می‌توان رصد نمود، لذا اگرچه به صورت پراکنده مصادیقی از این عنوان را در بطن مقررات کیفری موجود می‌توان یافت نمود ولیکن به صورت هدفمند، منسجم و جهت‌دار به شکل مورد انتظار دارای خلأ سیاستگذاری و قانونگذاری هستیم، ضمن اینکه تحولات مدرن قانونگذاری در این راستا قطعاً موجب تأثیرگذاری مثبت و عمیق در سایر اجزاء و حوزه‌های سیاست جنایی نیز خواهد بود که نتیجتاً در اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد ضمن توجه و در تطبیق با شرایط فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی و ... جامعه ایرانی تأثیرگذار می‌باشد.

مضافاً بر اینکه در اجرای سیاستهای تقنینی موجود که از آن جمله می‌توان به قانون پیشگیری از وقوع جرم اشاره کرد. به واقع وضع قوانین موصوف و موجود اگرچه بیانگر حقایقی است در توجیه حرکت در مسیر اتخاذ سیاست جنایی کارآمد و مورد انتظار و از این جهت جای بسی امیدواری و خوشحالی است ولیکن ملاحظه می‌کنیم که در اتخاذ سیاستهای موجود بسیاری از اصول و راهبردهایی که اجرای آنها لازمه رسیدن به سیاست جنایی کارآمد است رعایت و اجرا نشده است به عنوان مثال در قانون پیشگیری از وقوع جرم شاهد چنین ابهامات و نواقصی هستیم، در سایر موارد و اشکال قانونگذاری نیز می‌توان در قلب نقدهایی که صورت می‌گیرد به وجود چنین خلأها و کاستی‌هایی پی برد که حتی با ایجاد محدودیت در ارائه پاسخ و واکنش مناسب، بر بحران موجود به نوعی دامن می‌زند که از آن جمله می‌توان به موضوع سیاست جنایی تقنینی ایران در تکرار جرم اشاره کرد که به نظر با شرایط موجود و وجود نواقص و کاستی‌های موجود در سایر حوزه‌ها، صرفاً مبارزه با معلول است نه با علت، در صورتی که می‌توان به تاسی از آموزه‌های جرم‌شناسی که به واقع یک سیاست جنایی کارآمد، حاصل و نتیجه آن است، راهبردها و سیاستهای کارآمدی را در ارائه پاسخ و واکنش مناسب و متناسب و مؤثر در قانونگذاری در راستای حفظ کرامت انسانی آنها و باز اجتماعی نمودن آنها که به واقع می‌توان گفت شرایط حال حاضر آنها به نوعی به عملکرد سایر شهروندان در قسمتهای مختلف نیز سرایت دارد و در نتیجه آن نیز می‌تواند باشد، پیش‌بینی و سیاستگذاری نمود. به عنوان نمونه برنامه‌ریزی در راستای ایجاد نهادها و سیستمهای جدید رسیدگی در رویارویی با این افراد که به مرحله پایداری بزهکاری رسیده‌اند، به صورتی که در بین بزرگسالان، سیاست جنایی متمایز از سایر افراد و به صورت افتراقی در جهت هرچه بهتر حرکت در مسیر اجرای اصل فردی کردن مجازاتها برداشت و لذا ملاحظه می‌گردد اگرچه در حوزه اطفال و نوجوانان بزهکار، به لحاظ حساسیت موضوع و موقعیت سنی این افراد گامهای مؤثری در اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در رسیدگی به جرایم ارتكابی آنها برداشته شده ولیکن در خصوص بزرگسالان برخوردار از شرایط پایداری در بزهکاری که قطعاً این حساسیت در نوع و شکل و ماهیت رسیدگی در

مورد آنها نیز با توجه به حجم بالای ارتکاب جرم توسط آنها اگرچه در اقلیتند وجود دارد، فاقد چنین سیاست افتراقی در حوزه تقنین در ارتباط با آنها هستیم.

ضمن اینکه اساساً بر این مهم نیز تأکید می‌گردد که بستر اجرایی بسیاری از قوانین و مقررات موجود که به تأسی از حقوق پیشرفته اتخاذ گردیده نیز قطعاً می‌بایست در رسیدن به نتیجه مورد انتظار فراهم باشد که در اینخصوص نیز با بحران مواجه هستیم مضافاً بر اینکه نواقص و کاستی‌ها و خلأهای موجود در سایر اجزاء سیاست جنایی (قضایی، اجرایی، مشارکتی) نیز مزید بر علت می‌باشد که در جای خود قابلیت بحث و تأمل دارد.

بنابراین به شرحی که ذکر آن رفت سیاست جنایی تقنینی موجود، علیرغم گامهای مهم و مثبتی که برداشته شده کفایت لازم را در رسیدن به اهداف مورد انتظار نمی‌نماید و کماکان ناکارآمد است.

## منابع

۱. آبروشن، هوشنگ (۱۳۹۵)، سیاست جنایی ایران در قلمرو جرایم اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
۲. پاسکوا، شارل (۱۳۷۷)، چشم‌اندازی به پلیس پیشرفته، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند، مجله امنیت، شماره ۴ وزارت کشور، مهر.
۳. جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴)، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۴. جوان، فاطمه (۱۳۹۸)، سازمانهای مردم‌نهاد، چاپ اول، تهران، نشر ساکو.
۵. حسینی، سید مرتضی (۱۳۹۴)، چکیده مفاهیم علوم جنایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۶. رازقی، نادر؛ لطفی، بهنام (۱۳۹۷)، تحلیل جامعه‌شناختی چالشهای بقا و پایداری سازمانهای مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آنها با دولت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۹۷.
۷. رستمی، ولی (۱۳۸۶)، «مشارکت مردم در فرآیند کیفی (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۲، صفحات ۱۷۱-۱۳۹.
۸. زینالی، حمزه (۱۳۸۱)، پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران، نشریه رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۶ از ۹۷ تا ۱۲۴.
۹. طاهایی نژاد، علیرضا (۱۳۸۱)، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۰)، پایداری در بزهکاری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۱۱. عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۰)، نگاهی جرم‌شناسی بر پدیده پایداری در بزهکاری در ایران، همایش استاد دکتر حسن دادبان، دوره ۱، صفحات ۴۵۵ تا ۴۸۴.
۱۲. غلامی، حسین (۱۳۸۲)، تکرار جرم (بررسی حقوقی، جرم‌شناختی)، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۳. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۴)، مبانی جرم‌شناسی، چاپ هفتم، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۵)، سیاست جنایی قضایی، تهران، نشر سلسبیل.
۱۵. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۶. معظمی، شهلا (۱۳۹۴)، دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۱۷. مهدوی، محمود (۱۳۹۷)، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاهها (سمت) پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (مباحثی در علوم جنایی)، جلد نخست، زمستان ۱۳۸۳.